

ادبیات و تاریخ

مرز تاریخ و ادبیات

می‌توان فراز و نشیب زندگی اجتماعی و روحی ایرانیان را در آن دید.

گذشته از این، متون تاریخی و متون ادبی با هم ارتباط نزدیکی دارند. این ارتباط گاهی آن‌قدر نزدیک است که نمی‌توان بین متون ادبی و متون تاریخی فرقی گذاشت. کتاب‌هایی مثل تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی اگر چه نامشان تاریخ است ولی کتاب‌های ادبی هم هستند. گاهی هم در یک نوشته ادبی مانند یک شعر یا یک داستان کوتاه یا یک رمان، زمینه، بینش و یا اطلاعات تاریخی وجود دارد. کسانی که تاریخ یک دوره را می‌نویسند از مراجعه به متون ادبی بی‌نیاز نیستند.

در گذشته مورخان که در خدمت دربارها بودند و با دستور سلاطین تاریخ می‌نوشتند، بیشتر شرح زندگی آن سلطان، توصیف اقدامات و جنگ‌ها و توضیح دوران حکومت او را

تاریخ و ادبیات در سرزمین ایران سرنوشت نزدیک و مشترکی دارند. در اولین نگاه باید اشاره کرد که ادبیات فارسی در بستر جریان تاریخ ایران به‌وجود آمده و پیش رفته است. در تمامی تاریخ ما، ادبیات، هم ابزاری برای بیان رویدادهای تاریخی بوده و هم در چگونگی وقوع این رویدادها اثر داشته است. گاهی ابزاری بوده در دست حاکمان برای تبلیغ خواسته‌ها و محکم‌تر کردن پایه‌های قدرت خود و گاهی هم سلاحی بوده است در دست مردم برای مبارزه با ستم حاکمان و ستیز با بیگانگانی که هر از چندگاهی بر سرزمین ایران می‌تاختند و بر آن مسلط می‌شدند. ادبیات همواره راهی بوده است برای حفظ هویت ایرانی و نگهداری از آن در برابر فرهنگ و هویت اقوام مهاجم. در عمل و در مسیری که ایرانیان در طول تاریخ خود طی کرده‌اند، ادبیات آینه‌ای است که

ادبی. این نویسندگان تاریخ را ادیبانه می‌نوشتند و نوشته خود را به آیات قرآن، احادیث، شعرها، حکایات و ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی زینت می‌دادند. به همین ترتیب، در همان دوران، متونی به‌وجود آمد که هم از نظر مورخان و هم از نظر ادیبان اهمیت دارند. این روش، بعدها هم حفظ شد و نوشتن کتاب‌های تاریخی با رنگ و بوی ادبی طی چند قرن ادامه پیدا کرد. کتاب‌هایی چون ترجمه تاریخ طبری اثر ابوعلی بلعمی؛ تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی و تاریخ جهانگشای اثر عظاملک جوینی نمونه‌هایی از این متون تاریخی-ادبی است.

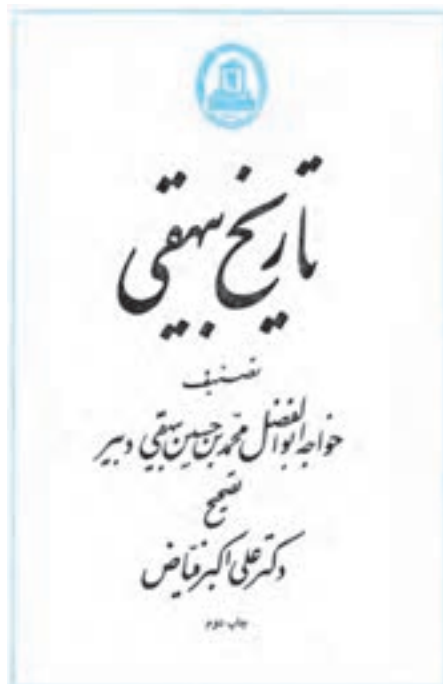
علاوه بر این، نویسندگان هر دوره‌ای، برای نوشتن از زبان و بیانی که در همان زمان در میان مردم متداول بود، استفاده می‌کردند. با گذشت یکی دو قرن زبان و بیان مردم و زبان نویسندگان تغییر می‌کرد و متن نوشته‌های تاریخی یک دوره، در قرون بعد برای مردم دشوار و گاه ناآشنا بود. مردم امروز دیگر نمی‌توانند به راحتی زبان نویسندگان قرون قبل را درک کنند و هرچه بیشتر به گذشته برگردیم، این دشواری بیشتر خواهد بود. در بعضی از این کتاب‌های تاریخی، شاید خلاقیت ادبی و زیبایی زبان و بیان مورد توجه نویسنده نبوده باشد، ولی چون نوشته به چند قرن قبل مربوط می‌شود، نویسنده امروز برای درک محتوای آن باید با ادبیات آشنایی کافی داشته باشد.

هدف خود می‌دانستند و به سرگذشت مردم توجه نداشتند. از طریق این دسته از کتاب‌های تاریخی، ما می‌توانیم از تاریخ سیاسی و نظامی دوره‌های مختلف تاریخ ایران آگاه شویم، ولی اگر بخواهیم تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران را بنویسیم باید به سراغ منابع دیگری برویم. یکی از این منابع، گنجینه پربار و عظیم آثار ادبی است. مورخان، برای نوشتن تاریخ اجتماعی و فرهنگی یک ملت، باید از گنجینه غنی و عظیم آثار ادبی آن ملت نیز استفاده کنند. نظیر دیوان شعر شاعران، منظومه‌های تاریخی، حماسی و دینی، اشعار و نوشته‌های طنزآمیز و ادبیات عامه مثل قصه‌ها، تصنیف‌ها، حکایات، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، متل‌ها و حتی لالایی‌ها.

ادبیات در آینه تاریخ

تاریخ‌ها: در مراحل اولیه پیدایش و رشد زبان فارسی دری، نویسندگانی که در خدمت دربارها بودند وظایف مختلفی برعهده داشتند. چون ادبیات تنها ابزار تبلیغی این حکومت‌ها بود، نویسنده باید فنون و صنایع ادبی را به خوبی می‌دانست. همین فرد، وظیفه داشت وقایع تاریخی مربوط به حکومت معاصر خود را هم بنویسد و با نوشته‌اش موفقیت‌های آن حکومت را ماندگار کند. این دبیران، طبیعتاً از تمام توانایی‌های ادبی خود در نوشتن تاریخ بهره می‌گرفتند و کتاب آنان هم ترکیبی بود از مواد تاریخی و خصوصیات

قمری به بعد بیشتر شد. مغولان به منظومه‌های تاریخی علاقه زیادی نشان دادند. آنان دوست داشتند کتاب‌های تاریخ به نظم درآید تا مردم به آن بیشتر توجه کنند و یاد و خاطره پیروزی‌های آنها ماندگارتر شود. گاهی مورخی تاریخ خود را تنها با این انگیزه می‌نوشت که براساس آن یک منظومه تاریخی سروده شود. در دوره‌های بعد، به خصوص در دوران حکومت تیموریان، صفویان و قاجارها این شیوه دنبال شد و منظومه‌های تاریخی فراوانی به وجود آمد. ظفرنامه حمدالله مستوفی، تیمورنامه عبدالله هاتفی جامی، شاهنامه صادقی اثر صادقی بیگ افشار و شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا، نمونه‌هایی است که به ترتیب در دوره‌های یاد شده به نظم درآمده‌اند.



تاریخ‌های منظوم

آداب الملوک‌ها
 برخی اندیشمندان می‌کوشیدند شیوه حکومت عادلانه و درست را به فرمانروایان زمان خود توصیه کنند. نوشته‌های این اندیشمندان را آداب الملوک یا سیاست‌نامه می‌نامند. کتاب‌های مربوط به روش کشورداری اگرچه نام تاریخ بر خود ندارند، ولی از نظر محتوایی برای نوشتن تاریخ اهمیت دارند. هر چند در این کتاب‌ها نباید به دنبال خبرهای تاریخی درست و معتبر بود، ولی می‌توان از آنها برای آگاهی از اندیشه سیاسی و روش‌ها و سیاست‌های کشورداری در دوره‌های مختلف استفاده کرد. چون نویسندگان

گاهی هم مورخان وقایع تاریخی را به صورت شعر بیان کرده‌اند. این مورخان شاعر اعتقاد داشتند، تاریخی که به شعر درآید می‌تواند در میان مردم اثر بهتری داشته باشد و بیشتر بماند. ایرانیان همیشه به سرودن منظومه‌ها یا داستان‌هایی که به زبان شعر بیان می‌شد، علاقه داشته‌اند. منظومه‌های تاریخی و دینی که زبان آن پرشور و حماسی است در سراسر تاریخ ادب فارسی نمونه‌های فراوانی دارد. شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی یکی از شناخته شده‌ترین منظومه‌های حماسی و تاریخی زبان فارسی است. سرودن این‌گونه منظومه‌ها، از قرن هفتم هجری



سیاست نامه ها، کتاب خود را برای سلاطین می نوشتند، در کار خود از حکایت های لطیف و دلنشین ادبی استفاده می کردند که هم مطالب کتاب خسته کننده نباشد و هم اثر بیشتری در خواننده بگذارد. یکی از این کتاب ها سیرالملوک یا سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی است. سلطان ملکشاه سلجوقی از نزدیکان خود خواست در کار کشورداری اندیشه کنند و بایدها و نبایدهای درگاه و دیوان را بنویسند. ملکشاه همچنین خواست راه و رسم پادشاهان گذشته در این مجموعه ذکر شود تا خاندان سلجوقی آن راه و رسم را بکار بندند. چند نفر از سیاستمداران و نویسندگان هر کدام کتابی نوشتند، ولی تنها کتابی که نظام الملک نوشته بود مورد قبول سلطان قرار گرفت. در این کتاب، ابتدا اصلی کلی که حاکمان باید در کار کشورداری به آن توجه داشته باشند ذکر شده و بعد از آن برای روشن تر شدن موضوع، حکایتی آورده شده است.



نظام الملک در فصلی با عنوان «در گزاردن حق خدمتکاران و بندگان شایسته»

چنین می نویسد:

«هر که از خدمتکاران خدمتی پسندیده کند، باید که در وقت نواختی یابد و ثمرت آن بدو رسد و آنکه تقصیری کند بی ضرورتی و سهوی، آن کس را به اندازه گناه مالشی رسد، تا رغبت بندگان در خدمت زیادت گردد و بیم گناهکاران بیشتر می شد و کارها بر استقامت می رود.»

حکایت: گویند روزی نوشروان عادل بر نشسته بود و با خاصگیان به شکار

می‌رفت و برکنار دیهی گذر می‌کرد. پیری را دید نودساله که گردو در زمین می‌نشاند. نوشروان را عجب آمد، زیرا که بیست سال گردو کشته بر می‌دهد. گفت: «ای پیر! گردو می‌کاری؟» گفت «آری». خدایگان گفت: «چندان بخواهی زیست که برش بخوری؟» پیر گفت: «کشتند و خوردیم و کاریم و خوردند». نوشروان را خوش آمد. گفت: «زه». در وقت خزانه‌دار را گفت تا هزار درم به پیر داد. پیر گفت: «ای خداوند! هیچ‌کس زودتر از بنده بر این گردو نخورد». گفت: «چگونه؟» پیر گفت «اگر من گردو نکشتمی و خدایگان این‌جا گذرنکردی، آنچه بر بنده رسید نرسیدی و بنده آن جواب ندادی، من این هزار درم از کجا یافتمی؟» نوشروان گفت: «زه‌ازه!». خزانه‌دار در وقت دو هزار درم دیگر بدو داد از بهر آن‌ک دو بار زه بر زبان نوشروان برفت.^۱

می‌شود. شاعران در انواع قالب‌های شعر فارسی به خصوص قصیده و قطعه از وضع زمانه خود سخن گفته‌اند. درست است که بعضی قالب‌ها مثل غزل در بیشتر دوره‌های شعر فارسی، برای بیان احساسات شاعر مورد استفاده قرار می‌گرفته و کاملاً شخصی بوده است، ولی همین قالب‌ها هم در دوره‌هایی از مفاهیم سیاسی و اجتماعی خالی نیست. برای نمونه، غزل‌های خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، آینه تمام‌نمای اوضاع اجتماعی و فرهنگی شیراز در دوران حکومت آل اینجو^۲ و آل مظفر^۳ است؛ همین‌طور، محتوای غزل‌های عصر مشروطه دیگر احساسات عاشقانه و شخصی نیست و این قالب شعر فارسی ابزاری رایج برای بیان انقلابات سیاسی و اجتماعی روزگار قاجار است.

اندرزنامه‌ها هم مثل آداب‌الملوک‌ها هستند، با این فرق که اندرزنامه نوشته‌ای ادبی است، نه تاریخی. این کتاب‌ها، در توضیح روش و اخلاق کشورداری و شرح اخلاق فردی نوشته شده و دارای زبان و بیان ادبی است.

قابوس‌نامه عنصرالمعالی، کیکاووس و بن‌اسکندر بهترین نمونه این کتاب‌هاست.

تاریخ در آینه ادبیات

اخبار تاریخی در دیوان شعر شاعران یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های آگاهی مورخان اشعار شاعران است. در تمام انواع شعر، می‌توان مواد و مطالبی را یافت که به تاریخ سیاسی، اجتماع، اقتصادی و فرهنگی ایران مربوط

۱- نظام‌الملک طوسی، سیرالملوک (سیاستنامه)، تصحیح هیوبرت دارک، تهران ۱۳۵۵، صفحه ۴ و ۱۵۳.

۲- سلسله‌ای محلی که از سال ۷۰۳ تا ۷۵۸ ق. در فارس حکومت می‌کرد.

۳- سلسله‌ای محلی که از سال ۷۱۳ تا ۷۹۵ ق. در کرمان، یزد و فارس حکومت می‌کرد.

قصیده‌های سبک خراسانی از قرن پنجم هجری قمری به بعد، تنها در مدح سلاطین و پادشاهان نبود. در میان انبوه قصاید مدحیه سبک خراسانی، قصایدی وجود دارد که بهترین سند در شرح اوضاع اجتماعی روزگار است. تاخت و تاز صحرائشینان در شهرهای خراسان و آشفته‌گی وضع مردم در بعضی از منابع تاریخی چون *راحة الصدور و آية السرور* راوندی آمده است؛ ولی گویاتر از کتاب راوندی در این باره، قصیده انوری ابیوردی است که به عنوان «نامه اهل خراسان» در تاریخ ادبیات فارسی مشهور شده است.



قسمت‌هایی از قصیده انوری ابیوردی:

به سمرقند اگر بگذری ای باد سحر
 نامه اهل خراسان به برخاقان بر
 نامه‌ای مطلع آن رنج تن و آفت جان
 نامه‌ای مقطع آن رنج تن و سوز جگر
 نامه‌ای بر رشمش آه عزیزان پیدا
 نامه‌ای در شکنش خون شهیدان مضمهر
 نقش تحریرش از سینه مظلومان خشک
 سطر عنوانش از دیده محرومان تر
 بر بزرگان زمانه شده خردان سالار
 بر کریمان جهان گذشته لئیمان مهتر
 مسجد جامع هر شهر، ستورانشان را
 پایگاهی شده نه سقفش پیدا و نه در ...

شاید هیچ نوشته تاریخی نتواند وضع زاکانی بیان کند :
 اجتماعی ایران را به خوبی این دو بیت شعر عبید

در وضع روزگار نظر کن به چشم عقل
 در موج فتنه‌ای که خلائق فتاده‌اند
 احوال کس می‌پرس که جای سؤال نیست
 فریادرس بجز کرم ذوالجلال نیست

قرار ندهند و کتاب‌هایشان هم در معرض نابودی قرار نگیرد و برای نسل‌های بعد باقی بماند. در تاریخ ادبیات ایران، طنزنویسی با نام عبیدزاکانی پیوند خورده است.

عبید در سال ۷۷۱ و یا ۷۷۲ ق. از دنیا رفته است. دوران پختگی و کمال عمر او مصادف بود با دورانی از تاریخ ایران که اصلی‌ترین ویژگی آن هرج و مرج سیاسی، آشفتگی اجتماعی و بحران اقتصادی است. اضمحلال حکومت ایلخانان مغول که از سال ۷۳۶ ق. آغاز شد و بعد از درگیری حکومت‌های محلی با یکدیگر، دست کم سه دهه پایانی عمر عبید را در برمی‌گیرد. عبید در همه آثار خود شرایط جامعه خود را به باد انتقاد گرفته است. برای نمونه دو حکایت او را می‌آوریم:

«دهقانی، در اصفهان، به در خانه خواجه بهاء‌الدین صاحب‌دیوان^۱ رفت. با خواجه سرا گفت: «با خواجه بگوی که خدا بیرون نشسته است، با تو کاری دارد. با خواجه به گفت؛ به احضار او اشارت کرد. چون درآمد، پرسید: «تو خدایی؟» گفت: «آری». گفت: «چگونه؟» گفت: «حال آن‌که من پیش، دهخدا و باغ خدا و خانه خدا بودم. نواب تو ده و باغ و خانه از من به ظلم بستند؛ خدا ماند»

«جنازه‌ای را بر راهی می‌بردند، درویشی با

همین‌طور اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی کلامی بعضی از فرقه‌ها و نهضت‌های سیاسی ایران در اشعار شاعران قابل جستجو است. نهضت‌هایی چون شعوبیه از شعر به عنوان مهم‌ترین ابزار بیان اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند و درک ماهیت این نهضت جز از طریق مطالعه اشعار شاعران آن ممکن نیست. آراء و اندیشه‌های اسماعیلیان را می‌توان با بررسی شعر شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی و یانزاری قهستانی مطالعه کرد. از برخی فرقه‌ها چون حروفیه و نقطویه بیش از آن‌که متون ماثور به جا مانده باشد، دیوان شعر باقی مانده است. این فرقه‌ها برای بیان اعتقادات خود که با اعتقادات عموم مردم سازگاری نداشت، به شعر نیازمند بودند و از آن استفاده می‌کردند.

طنز، ادبیات رمزی و تاریخ

تاریخ به شکل‌های مختلف راه خود را در آثار ادبی باز کرده است. در بسیاری از دوره‌های تاریخ ایران، استبداد سیاسی، دست و زبان نویسندگان را برای بیان درست و واقعی اوضاع سیاسی و اجتماعی بسته است. در چنین شرایطی، نویسندگان به طنز و ادبیات رمزی پناه برده‌اند و تلاش کرده‌اند وضع اجتماع خود را به شکلی بیان کنند که جان خود را در معرض خطر

۱- بهاء‌الدین محمدجوینی پدر شمس‌الدین و علاء‌الدین محمد جوینی که هر دو از دیوانسالاران برجسته ایرانی در دوره ایلخانان

مغول بودند.



منشآت و مکاتبات

منشآت و مکاتبات یا نامه‌ها و مکتوبات را بیشتر متن ادبی می‌دانند. این تقسیم‌بندی برای این صورت گرفته است که منشآت معمولاً به نثری ادیبانه نوشته می‌شد و منشیان و نویسندگان توانایی ادبی خود را در این گونه آثار ارائه می‌کردند. ولی از نظر مضمون و محتوا، به ویژه منشآت مربوط به سلاطین (سلطانیات) و نامه‌های مربوط به مکاتبات اداری (دیوانیات) کاملاً در حوزه تاریخ قرار می‌گیرد. البته نامه‌های شخصی و مکاتبات دوستانه (اخوانیات) هم از مضمون تاریخی خالی نیست. با وجود این، منشآت در حقیقت به اسناد تاریخی نزدیک است، ولی به دو دلیل نمی‌توان آن را با اسناد تاریخی یکی دانست: نخست این که نسخه یا اصل نامه‌ها در دست نیست و آنچه از این منشآت به ما رسیده، در چندین مرحله

پسر بر سر راه ایستاده بودند. پسر از پدر پرسید: «بابا! در اینجا چیست؟» گفت: «آدمی». گفت: «کجایش می‌برند؟» گفت: «به جایی که نه خوردنی باشد و نه پوشیدنی، نه نانی و نه آب و نه هیزم؛ نه آتش، نه زر، نه سیم، نه بوریا، نه گلیم» گفت: «بابا! مگر به خانه ما می‌برندش.»^۱

ادبیات رمزی نیز در همین دوره‌های نبود آزادی‌های سیاسی پدید آمده است. در این نوع نوشته‌های ادبی نویسنده از سمبل‌ها یا نمادهایی برای بیان مقصود خود استفاده می‌کند. حرف خود را بر زبان پیر زنان و دیوانگان یا دیوانه‌نمایان می‌گذارد و یا از قول حیوانات سخن می‌گوید. در بیان غیرمستقیم و کنایه‌آمیز و استعاری این نوشته‌ها، حقیقت تاریخی به صورتی بیان می‌شود که صاحبان خرد و بصیرت آن را دریابند، بی‌آنکه کسی به سبب گفتن حقیقت با خطر مواجه شود. یکی از عرصه‌های مهم استفاده از رمز و تمثیل در ادب فارسی، نوشته‌های عرفانی یا ادبیات صوفیانه است. منظومه‌هایی چون *منطق‌الطیر عطار نیشابوری* در زمره این داستان‌های رمزی است. آثار کلامی فرقه‌های مختلفی که با جریان رسمی و عرفی سازگار نبوده‌اند هم در پوششی از رمز و تمثیل بیان می‌شده است. این بیان آنان را از این که مورد تعقیب و آزار حکومت قرار گیرند رهایی می‌داده است.

۱- عبیدزاکانی، کلیات دیوان، تهران، ۱۳۷۶، صفحات ۲۲۴ و ۲۲۳.

نسخه برداری شده است. دیگر این که زبان و بیان، یعنی وجه ادبی نامه، برای منشیان اهمیت خاصی داشته و تنها انتقال خبر تاریخی مدنظر نبوده است. منشآت برای بازسازی نظام اداره کشور و همچنین

روابط میان کشورها برای مورخ اهمیت دارد. این نامه‌ها در نوشتن زندگی‌نامه اشخاص تاریخی نیز از منابع تاریخ محسوب می‌شود.

قلعه حیوانات اثر جرج اورول یکی از نمونه‌های ادبیات رمزی است.

شهر آشوب‌ها و تاریخ اجتماعی

شهر آشوب یکی دیگر از انواع شعر فارسی است. در این نوع شعر، معشوقی توصیف می‌شد که با حسن و زیبایی خود شهری را بر هم می‌زد و آشفته می‌کرد. چون قبل از وصف معشوق، شهری که در آن زندگی می‌کرد وصف می‌شد و دربارهٔ خصوصیات شهر توضیح داده می‌شد، این نوع شعر به صورت نوعی تاریخ محلی منظوم درآمد. شرایط تاریخی شهر و امتیازات آن در میان شهرهای دیگر، شغل‌ها و اصناف شهر و بسیاری از آگاهی‌های مهم دیگر دربارهٔ آن در این شهر آشوب‌ها ارائه می‌شود. در این آثار، هم ستایش شهرها به چشم می‌خورد و هم نکوهش و بدگویی شهرها و مردم آن وجود دارد. رفته رفته مضمون شهر آشوب‌ها به توصیف پیشه‌وران و صاحبان صنایع و حرف شهرها محدود شد. شهر آشوب در ادب فارسی سابقه‌ای طولانی دارد. نخستین شهر آشوب‌ها را مسعود سعد سلمان در زندان و در وصف لاهور سرود. این نوع شعر در دوره تیموری

رشد و رونق بیشتری یافت و در دوره صفوی به اوج خود رسید. آگاهی‌های این نوع شعر دربارهٔ تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها در کتاب‌های تاریخی وجود ندارد و مورخان می‌توانند آگاهی‌های خود را با استفاده از این شعرها کامل کنند. شهر آشوب‌هایی درباره تبریز، اصفهان و هرات سروده شده است. شهر آشوب سیفی بخاری به نام صنایع البدایع و شهر آشوب لسانی شیرازی به نام مجمع الاصناف دو نمونه مشهور از شهر آشوب‌های زبان فارسی است.

رد پای تاریخ در ادبیات عامیانه

ادبیات عامیانه شامل انواع مختلف شعرها قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها یکی از سرچشمه‌های آگاهی تاریخی است. ادبیات عامه یکی از راه‌هایی است که مردم هر سرزمین برای نگهداری و حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، آیین‌ها و اعتقادات خود در پیش می‌گیرند. شعر فولکلور، قصه‌ها و افسانه‌های بلند، مثل‌ها یا قصه‌های کوتاه، ضرب‌المثل‌ها،

فرهنگ را در میان مردم جستجو کند. در قصه‌ها و ترانه‌های آذری در آذربایجان، اشارات فراوانی به شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی وجود دارد. خاطره قهرمانی‌های رئیس علی دلواری در مبارزه با اشغال‌گران انگلیسی، در شروه‌های^۱ تنگستانی حفظ شده است. در بسیاری از لالایی‌های مردم گیلان می‌توان ذهنیت اجتماعی آنها را درباره قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی دید. در ترانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه مردم فارس و کرمان هنوز نشانه‌هایی از سلاطین خوشنام زندیه زمزمه می‌شود. برای نمونه، در ترانه‌ای کرمانی چنین می‌خوانیم:

بازم صدای نی میاد
آواز بی‌دربی میاد
لطفعلی خانم کی میاد
لطفعلی خان بوالهوس
زن و بچه شو بردن طبس
طبس کجا، اینجا کجا!

لالایی‌ها و دیگر انواع این‌گونه ادبیات، به راستی زبان حال مردمی است که نسل به نسل و طی دوره‌های مختلف تاریخی فرهنگ خود سینه به سینه روایت و نقل کرده‌اند و از دستبرد روزگار ننگه داشته‌اند. فرهنگ بازی‌ها، جشن‌ها و شادمانی‌ها، ماتم‌ها و عزاداری‌ها جنگ‌ها و دوستی‌ها، عشق‌ها و نفرت‌ها و دیگر ابعاد زندگی اجتماعی در این ادبیات حفظ شده است. حتی رد پای بعضی رویدادهای سیاسی ثبت نشده و فراموش شده مناطق مختلف ایران در این فرهنگ قابل جستجو است. لالایی‌های محلی شکوه مادران از ستم‌کاری و بیداد و دلاوری ظلم ستیزی پدرانی است که در این راه جان باخته‌اند. یکی از سرچشمه‌های آگاهی درباره تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران همین‌گونه از ادبیات است. پژوهش در این زمینه دیگر در گوشه آرام و ساکت کتابخانه‌ها صورت نمی‌گیرد، بلکه پژوهشگر برای شناخت این فرهنگ باید به سراغ پژوهش میدانی برود و روستا به روستا و شهر به شهر این

بیشتر بدانید

رمان تاریخی

رمان یا داستان بلند یکی از انواع آثار ادبی است. هر چند رمان در اساس در ادبیات غرب ظهور کرده و به عرصه رسیده، ولی نمونه داستان‌های بلندی چون

۱- شروه: نوعی آهنگ خُرُن‌آور که بیشتر در مناطق جنوب ایران مرسوم است.

سمک‌عیار در فرهنگ و زبان ما وجود داشته است. وقتی مضمون و محتوای رمان، تاریخ است و یا داستان در یک دوره تاریخی و درباره یک شخصیت تاریخی شکل گرفته باشد، رمان تاریخی پدید می‌آید. رمان تاریخی پلی است میان ادبیات و تاریخ؛ مردم را به تاریخ علاقه‌مند می‌کند و راهی است برای آشتی آنان با مطالعات بیشتر و عمیق‌تر در وادی تاریخ. در بعضی از رمان‌ها نویسندگان خود در متن تاریخ بوده‌اند و توانسته‌اند گوشه‌های تاریک اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خود را روشن کنند. رمان بینویان اثر **ویکتور هوگو** و **یا جنگ و صلح** اثر **لئون تولستوی** دو نمونه از این رمان‌ها هستند. در موارد زیادی هم تاریخ در یک رمان بازسازی شده و نویسنده خود در روزگاری که از آن سخن می‌گوید زندگی نکرده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- منظومه تاریخی چیست و از چه زمانی بیشتر رواج یافت؟
- ۲- چرا مغولان بیشتر به منظومه‌های تاریخی علاقه نشان می‌دادند؟
- ۳- آداب الملوک‌ها از چه جنبه‌هایی برای نوشتن تاریخ اهمیت دارد؟ دو نمونه از این کتاب‌ها را نام ببرید.
- ۴- در چه شرایطی نویسندگان به طنز و ادبیات رمزی پناه برده‌اند و در این نوع آثار به چه مسائلی اشاره می‌شود؟
- ۵- منشآت چیست و آیا می‌توان آن را با اسناد تاریخی یکی دانست؟
- ۶- شهر آشوب چه مضامینی دارد و نخستین شهر آشوب را چه کسی سروده است؟
- ۷- کدام دوره تاریخ ایران، دوران اوج شهر آشوب‌سرای است؟

اندیشه و جست و جو

با مراجعه به یک اثر ادبی یا یک دیوان شعر، مطلبی تاریخی را از آن استخراج کنید و در کلاس ارائه دهید.

نسب‌نامه‌ها و تاریخ

آن فرزندان نیز به نوبه خود صاحب فرزندانی می‌شوند؛ بدین ترتیب حیات بشری از زمان آفرینش انسان تاکنون ادامه یافته است. اگر در یک خانواده نام پدران و فرزندان را به ترتیب پشت سر هم قرار دهیم، فهرست منظمی به دست می‌آید که نسبت آن افراد با یک‌دیگر را اعم از پدری یا فرزندی نشان می‌دهد. این فهرست را **نسب‌نامه** می‌نامند. مثلاً در صفحه ۱۱۳ به نسب‌نامه خاندان صفوی نگاه کنید. در این نسب‌نامه از بالا به پایین به ترتیب اسامی افراد خاندان صفوی از پدر به فرزند نوشته شده است. یعنی شیخ صفی پدر صدرالدین و صدرالدین پدر خواجه علی می‌باشد. شاه اسماعیل صفوی بنیان‌گذار این دولت با علامت ستاره مشخص شده است. **أسلاف**^۱ (پدر و اجداد) او تا شیخ صفی‌الدین مشخص شده‌اند و **أخلاف**^۲ او نیز تا صفی‌میرزا ارائه گردیده است. نسبت هر یک از افراد این نسب‌نامه با شاه اسماعیل در سمت

یکی از منابع مهم پژوهش تاریخی، نسب‌نامه‌ها است.^۱ آنچه تاکنون درباره منابع پژوهش در تاریخ خوانده‌اید، دربرگیرنده آگاهی‌هایی درباره متون و گزارش‌های گفتاری و نوشتاری بود. نسب‌نامه‌ها معمولاً درباره یک خاندان یا افراد گوناگونی که هر یک به گونه‌ای در رویدادهای تاریخی مؤثر بوده‌اند، سخن می‌گویند. بنابراین، روشن است که بازیگران اصلی رویدادها، انسان‌ها هستند. چون انسان‌ها نقش عمده‌ای در تحولات تاریخی یک کشور داشته و دارند، بنابراین شناخت آنها، به‌ویژه پیوندهای خانوادگی آنها اهمیتی به‌سزا در پژوهش‌های تاریخی دارد. در این درس با **نسب‌نامه** و نقش و اهمیت آن در تاریخ‌نگاری آشنا می‌شوید.

نسب و نسب‌نامه

هر انسانی از پدر و مادری زاده می‌شود و خود نیز معمولاً دارای یک یا چند فرزند می‌گردد.

۱- نسب یعنی خویشی و خویشاوندی و جمع آن انساب است.

۲- اسلاف به معنای پیشینیان است. جمع سلف.

۳- اخلاف به معنای جانشینان و بازماندگان است. جمع خلف.

راست نوشته شده است.

شخصیت فرضی احمد می‌توانید موقعیت بستگان او را روی نسب‌نامه ملاحظه نمایید.

از آن‌جا که از یک فرد فرزندان به وجود می‌آید و از آن فرزندان نیز فرزندان دیگر، نسب‌نامه را می‌توان به صورت درختی نمایش داد که دارای یک تنه است و سپس شاخ و برگ پیدا می‌کند. به همین جهت به نسب‌نامه، **شجره‌نامه** نیز می‌گویند.

نسب‌نامه گویای چه نکاتی است؟

یک نسب‌نامه دربرگیرنده گروهی از انسان‌هاست که با یک‌دیگر خویشاوند به‌شمار می‌آیند. پس در قدم نخست نسب‌نامه گویای نسبت افراد با یکدیگر است. نسب‌نامه به صورتی خلاصه، گویا و آسان نسبت هر یک از این افراد با دیگری را در اختیار ما می‌گذارد. از آن‌جا که خویشاوندی، یکی از مهم‌ترین شکل‌های روابط میان انسان‌هاست و این روابط تأثیر بسیار زیادی بر زندگی فردی و اجتماعی دارد، مطالعه تاریخ و به‌طور کلی مسائل یک جامعه بی‌نیاز از شناختن این روابط نیست. بدین ترتیب در دومین قدم، نسب‌نامه ساده‌ترین وسیله نشان‌دادن روابط افراد خویشاوند اعم از خویشاوندان نسبی^۲ و خویشاوندان سببی^۳ است.

دوره زندگی هر فرد را تا وقتی که جای خود را به دیگری (فرزندش) بدهد نسل^۱ (یک نسل) می‌نامند. بدین ترتیب از شیخ صفی تا شاه اسماعیل هفت نسل می‌شود. معمولاً هر نسل را یک دوره سی‌ساله می‌دانند زیرا به‌طور معمول هر شخص از تولد تا ازدواج و صاحب فرزند شدن زمانی نزدیک به سی سال را از سر می‌گذراند. این دوره سی‌ساله تقریبی و تخمینی است. معمولاً افرادی را که در یک زمان نشو و نما یافته باشند، یک نسل می‌نامند. مثلاً در نسب‌نامه صفحه بعد، شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدا بنده در یک نسل یعنی نسل نهم صفویه هستند.

نسب‌نامه فقط دربردارنده فهرست پدران و فرزندان نیست بلکه خواهران و برادران را نیز می‌توان در آن نشان داد. پس از گذشت یک نسل، خواهران و برادران برای نسل بعدی به صورت عمو، عمه، دایی یا خاله در می‌آیند. در نسب‌نامه‌ها پدران و فرزندان پشت سر هم قرار می‌گیرند و خواهران و برادران در یک ردیف در کنار هم واقع می‌شوند. مثلاً در نمودار صفحه ۱۱۵ مربوط به خاندان صفوی، می‌توانید نام خواهران و برادران شاه محمد خدا بنده و نیز پدر، جد، عموها و عمه او را پیدا کنید.

صورت کلی یک نسب‌نامه را می‌توانید در صفحه ۱۱۵ مشاهده کنید. در این نسب‌نامه برای

۱- نسل در لغت به معنای فرزند است.

۲- خویشاوندان نسبی مانند پدر، مادر، فرزند.

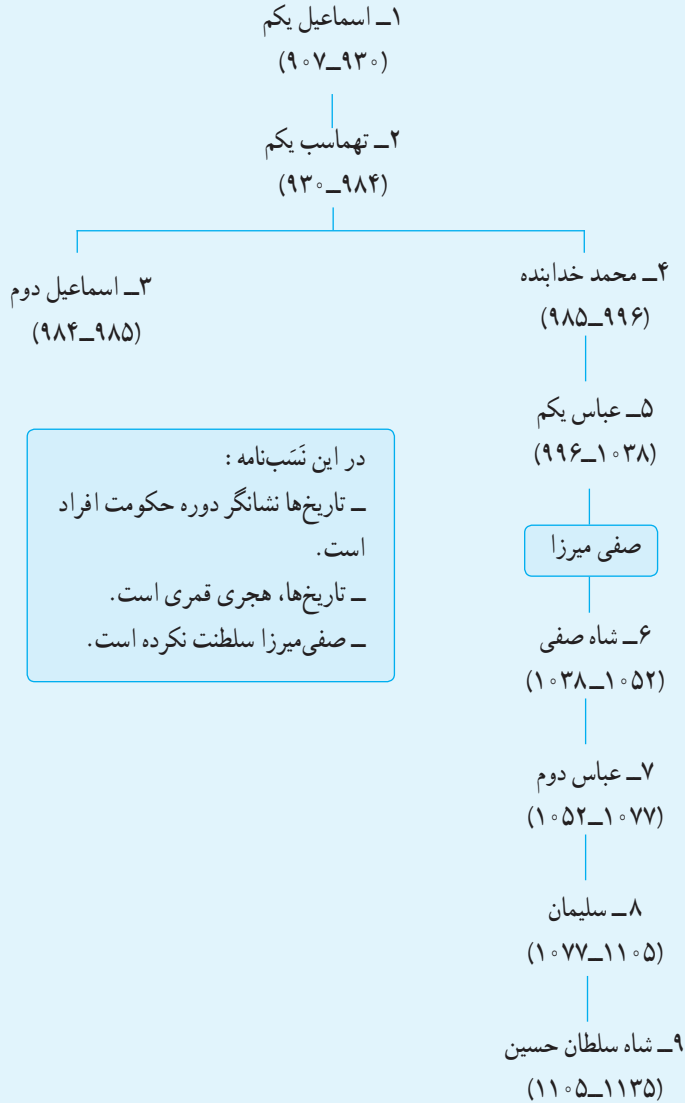
۳- خویشاوند سببی یعنی خویشاوندی که به دلیلی (سببی) مثل ازدواج به وجود آمده باشد.



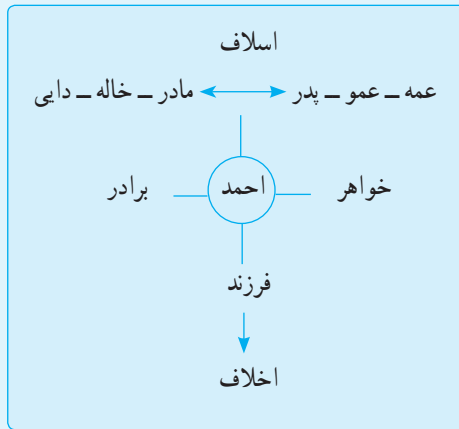
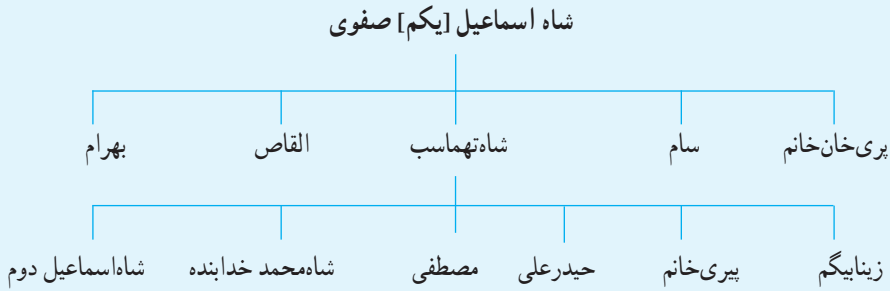
واژهٔ سلسله که برای حکومت خاندان‌ها به‌کار می‌رود، براساس نسب‌نامه است. سلسله در لغت به معنای زنجیر است و مقصود آن است که افراد یک خاندان که به‌ترتیب یکی پس از دیگری به حکومت رسیده‌اند، مانند حلقه‌های زنجیر با یکدیگر مربوط و متصل می‌باشند. این ارتباط و اتصال میان فرمانروایان در نسب‌نامه به‌خوبی نشان داده می‌شود.

از آن‌جا که هر فرد دارای یک تاریخ تولد و مرگ است یا فرمانروایان برای مدتی معین حکومت می‌کنند، لذا نسب‌نامه آسان‌ترین راه نشان‌دادن ترتیب افراد، فرمانروایان و غیره است. مثلاً در نسب‌نامه صفحهٔ بعد شاهان سلسله صفوی نشان داده شده‌اند. شماره‌ای که در کنار هر نام است ترتیب فرمانروایان را نشان می‌دهد و در زیر هر نام دوره فرمانروایی او مشخص شده است.

نسب‌نامه پادشاهان صفوی



در این نسب‌نامه:
 - تاریخ‌ها نشانگر دوره حکومت افراد است.
 - تاریخ‌ها، هجری قمری است.
 - صفی میرزا سلطنت نکرده است.



فکر کنید و پاسخ دهید ✓

به نظر شما ازدواج‌های سیاسی چه نقشی در سلسله‌های فرمانروایان داشته است؟

کاربرد نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی

تاریخی، تعدادی از وقایع قابل ثبت است، پس می‌توان با تنظیم شجره‌نامه‌ها و مشخص کردن ترتیب افراد، وقایع تاریخی مربوط به زمانِ هریک را منظم و مرتب کرد.

بدین ترتیب که در مقابل نام هر فرد وقایعی را نوشت که به‌دست او یا در زمان حیات و حکومت او

خواندید که مورخان برای نوشتن تاریخ نیازمند به داشتن ترتیب زمانی وقایع هستند. اما تاریخ وقوع همه وقایع در کتب تاریخ ثبت شده است. چون تمامی وقایع تاریخی توسط انسان‌ها رخ داده‌اند و در مقابل نام هریک از اشخاص

بازساختن افراد همانم از یک دیگر بوده است. مثلاً می‌گفتند احمد پسر حسن و اگر باز هم تشابه اسمی وجود داشت می‌گفتند احمد پسر حسن پسر مرتضی. به همین نحو اگر ضرورت داشت همچنان نام اجداد او را ذکر می‌کردند تا کاملاً از اسامی مشابه متمایز شود. انجام چنین کاری مستلزم استخراج نسب‌نامه‌ها و استفاده از آنها بود. در فهرست اسامی پادشاهان صفوی چند تن دارای نام اسماعیل یا عباس هستند که ما آنها را با نوشتن یکم و دوم پس از اسامی آنها مشخص می‌کنیم، اما همین کار با داشتن نام فرمانروای پیش از آنها ممکن شده است.

رخ داده است. بنابراین ترتیب وقایع (اعم از آن که تاریخ آنها موجود باشد یا نباشد) و نیز ارتباط آنها با افراد معلوم می‌شود. این کار که گامی اساسی در تاریخ‌نویسی است اگرچه ساده به نظر می‌آید، اما کاری سخت و مستلزم دقت و صرف وقت بسیار است. اگر اشتباهی در این مرحله رخ دهد، بسیاری از مطالب بعدی اشتباه خواهد بود. لذا استخراج نسب‌نامه‌ها (مثلاً سلسله‌ها) و تنظیم وقایع براساس آنها، از اقدامات اساسی مورخان به‌شمار می‌آید. در واقع نسب‌نامه‌ها چهارچوبه مناسبی برای ارائه و شناخت رویدادهای تاریخی هستند. دومین استفاده نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی،



یادگاری از این روش هنوز در میان عرب‌ها وجود دارد که برای مشخص ساختن افراد از نام پدرشان استفاده می‌کنند. مثلاً می‌گویند فلان بن (پسر) فلان یا فلانه بنت (دختر) فلان. اما در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، برای شناسایی افراد، نام خانوادگی معمول شده است؛ یعنی پس از نام (نام کوچک) نام خانوادگی (فامیل) آورده می‌شود مانند رضا حسینی.

براساس خویشاوندی و روابط قبیله‌ای بوده است، همگان توجهی ویژه در به خاطر سپردن نسب افراد و قبایل داشته‌اند. در جوامعی مانند یونان باستان که اشراف^۲ (نجبا - اصیل زادگان) قدرت را در دست داشته‌اند، فقط افرادی که اصل و نسب مهمی

نسب‌شناسی^۱

دانستن اصل و نسب همواره برای انسان‌ها اهمیت داشته و به‌خصوص در زمان‌های گذشته از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. به‌طور کلی چون در جوامع گذشته، روابط اجتماعی و سیاسی

۱- Genealogy

۲- آریستوکرات (ها)

داشتند، جزو اشراف به‌شمار می‌آمدند. در ایران باستان طبقه حاکمه یعنی طبقه ممتاز مدعی بود که دارای اصالت خون است. پادشاهان ساسانی خود را از نسل پادشاهان کیانی می‌دانستند. بر این اساس کسی که از نسل کیانیان و به‌خصوص ساسان نبود، نمی‌توانست به پادشاهی برسد. مرتبه و منزلت اجتماعی افراد نیز براساس نسب آنها مشخص می‌شد. در روم باستان با حفظ نسب افراد، طبقات جامعه را مشخص می‌ساختند؛ یعنی اشراف را از مردم طبقات پایین جدا می‌کردند. برای این کار افرادی که موسوم به سانسور بودند، نسب‌نامه افراد را بررسی می‌کردند. چنان‌که شغل، مقام و موقعیت فردی با نسب او منطبق نبود، وی را وادار می‌کردند شغل و موقعیت اجتماعی خود را تغییر دهد.

در میان عرب‌ها نیز شناخت نسب اهمیت بسیاری داشته است. افراد هر قبیله می‌کوشیدند نام پدران خود را حفظ کنند و روابط قبیله خود

با قبایل دیگر را بشناسند. در حقیقت براساس همین روابط، (سببی یا نسبی) اتحاد قبایل به‌وجود می‌آمد. به همین جهت در میان عرب‌ها اشخاصی موسوم به نَسَابَه (نسب‌شناس) وجود داشتند که نسب افراد و قبایل را می‌شناختند و به دیگران می‌آموختند. بعدها در تمدن اسلامی مقامی به نام نقیب به وجود آمد که وظیفه‌اش شناختن نسب افراد خاندان‌های مهم بود. نقیب در اصل رابط حکومت با افراد این خاندان‌ها بود. چون این کار مستلزم شناخت نسب افراد این خاندان‌ها بود، لذا نقیب‌ها افرادی نسب‌شناس به‌شمار می‌آمدند.

اهمیتی که جوامع در طول تاریخ به نسب می‌دادند موجب شده است تا علمی به نام نسب‌شناسی (تبارشناسی) به وجود آید. این علم یکی از شعبه‌های علم تاریخ است. هرچند فواید و نتایج آن منحصر به علم تاریخ نبوده است، برای این منظور کتاب‌های متعددی در مورد شناخت نسب‌ها تألیف شده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان «الأنساب» نوشته «کلبی» و «الفصول الفخریه» نوشته «ابن عنبه» و تعدادی کتاب دیگر را نام برد.

درجه اعتبار نسب‌نامه‌ها

آن‌چه تا این‌جا گفته شد در مورد جنبه‌های مثبت نسب‌نامه‌ها بود، اما باید توجه داشت که نسب‌نامه‌ها به دلایل متعددی ممکن است درست نباشند. گذشت زمان و مرور ایام موجب



آشنایی با چند واژه در نسب‌شناسی	
نام خانوادگی	در جوامع مختلف به شیوه‌های گوناگونی انتخاب می‌شود. در کشور ما معمولاً برای فرزندان نام خانوادگی پدر را برمی‌گزینند. مگر آن‌که به هر دلیلی بخواهند نام خانوادگی دیگری انتخاب کنند؛ اما همسر نام خانوادگی خود را حفظ می‌کند. در ممالک انگلیسی زبان زن پس از ازدواج، از نام خانوادگی شوهر استفاده می‌کند. در سرزمین‌های اسپانیولی زبان، نام خانوادگی فرزند مرکب از فامیل پدر و مادر است.
لقب	عرب‌ها علاوه بر نام معمولی، نام دیگری نیز دارند که بدان مشهورند مانند این‌که پیامبر(ص) را در کودکی محمد «امین» می‌گفتند. به این نام، لقب می‌گویند.
کنیه	اسمی است که در آن شخص را به نام پدر یا پسر بزرگش می‌نامیدند مانند ابوجعفر یا ابن‌خلدون
سلسله، آل، دودمان، خاندان	همه این‌ها غالباً به یک معنی به کار می‌روند.
خویشاوندی غیرطبیعی	گاه بنا به عللی روال معمولی پیوند خانوادگی (پدر، مادر، فرزند) تغییر می‌یابد و پیوندهای دیگر ایجاد می‌شود مانند: پدرخواندگی، فرزندخواندگی، نامادری و ...
جد، نیا، جده	پدر پدر را جد یا نیا یا نیاک و مادر پدر را جدّه می‌گویند.

یا چون پیش‌بینی نمی‌کردند که ممکن است به قدرت برسند، اقدام به ثبت نسب خود نمی‌کردند. در نتیجه پس از رسیدن به قدرت، چون مطابق فرهنگ عصر خویش باید خود را دارای نسب عالی نشان می‌دادند، اقدام به ساختن نسب‌نامه اعم از راست یا دروغ می‌نمودند. مثلاً عبیدالله المهدی بنیان‌گذار دولت اسماعیلی فاطمیان در مصر، مدعی بود که نسبش به امام جعفر صادق (ع) می‌رسد، یا صفویان مدعی بودند که سید هستند و نسبشان به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. چون این سلسله‌ها تا قبل از رسیدن به قدرت چنین ادعاهایی نداشته‌اند، بنابراین مورخان اعتماد کاملی به این ادعاها ندارند.

فراموش شدن اسامی افراد یک خاندان یا اشتباه در ترتیب و تاریخ زندگی آنها می‌شود. به علاوه آشفتگی سیاسی جوامع که موجب به قدرت رسیدن چند فرمانروا در یک کشور به‌طور همزمان یا جدال قدرت می‌شود، معمولاً فهرست نسب‌نامه را دچار بی‌نظمی می‌سازد. چنین اشکالاتی گرچه اهمیت دارند و باید برطرف شوند، اما مسأله مهم و درخور توجه، جعل و تحریف نسب‌نامه‌ها است. جعل و تحریف نسب‌نامه‌ها معمولاً به دلایل زیر بوده است:

۱- بسیاری از سلسله‌هایی که در تاریخ به قدرت می‌رسیدند، یا دارای نسب عالی نبودند و

ادعاها تردیدهایی وجود دارد.

۳- از آن جا که داشتن نسب مشترک میان دو شخص یا دو قبیله، موجب اتحاد آنان می‌شده است (یعنی یک خانواده هستند و خویشاوند به‌شمار می‌آیند) لذا بنا بر مصالح اجتماعی و سیاسی گاهی دو قبیله بدون آن‌که در واقع دارای یک نیا باشند، چنین ادعایی داشتند.^۱ این مسأله باعث گمراهی نسل‌های بعدی می‌شد.

۲- در بعضی از دوران‌ها، فرهنگ سیاسی رایج در جامعه حکومت را فقط حق خاندانی خاص می‌دانسته است. لذا کسانی که به قدرت می‌رسیدند، می‌کوشیدند نسب خود را به همان خاندان برسانند تا حکومتشان مشروعیت پیدا کند. مثلاً تیمور مدعی خویشاوندی با چنگیزخان بود؛ سامانیان ادعا داشتند که از نسل بهرام چوین (سردار ساسانی) هستند. در مورد صحت این



نسب‌شناسی در دنیای کنونی

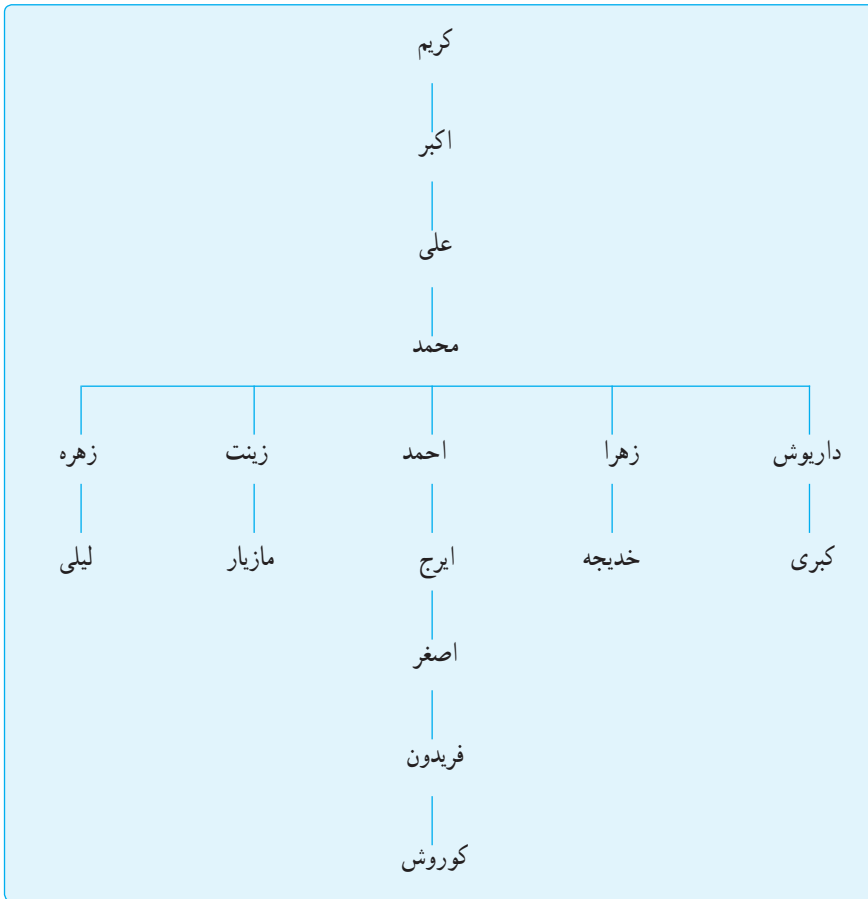
امروزه با تحولاتی که در جوامع بشری به‌خصوص جوامع صنعتی روی داده، تنها در موارد محدودی از مسایل حقوقی و کشف هویت ممکن است شناخت نسب ضرورت پیدا کند و یا در بعضی از جوامعی که تمايلات نژادپرستانه داشته‌اند یا هنوز به سنت‌های اشرافی پای‌بند هستند ممکن است به نسب‌نامه‌ها اهمیت فراوان داده شود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- نسب‌نامه چیست؟
- ۲- کاربرد نسب‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی را توضیح دهید.
- ۳- به چه دلایلی ممکن است نسب‌نامه‌ها دچار تغییر و تحریف شوند؟

۱- به همین جهت عده‌ای معتقدند که بعضی از انساب چیزی جز حِلَف (پیمان اتحاد) نیستند.

۱- در نسب‌نامه فرضی زیر



الف : داریوش با لیلی چه نسبتی دارد؟ ب : زهرا و زهره چه نسبتی با هم دارند؟

ج : کریم چه نسبتی با احمد دارد؟ د : کورش چه نسبتی با احمد دارد؟

هـ : کبری چه نسبتی با اصغر دارد؟ و : خدیجه چه نسبتی با مازیار دارد؟

ز : لیلی چه نسبتی با اصغر دارد؟

۲- با استفاده از اطلاعات پدر و مادر و سایر بزرگ‌ترهای فامیل، نسب‌نامه خود

را به‌صورت یک نمودار تنظیم و نام خود را در آن مشخص کنید.